

عیسی در حضور پیلطس

¹ بامدادان، بی‌درنگ رؤسای کهنه با مشایخ و کاتبان و تمام اهل شورا مشورت نمودند و عیسی را بند نهاده، بردند و به پیلطس تسلیم کردند.
² پیلطس از او پرسید: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ او در جواب وی گفت: تو می‌گویی.³ و چون رؤسای کاهنه ادعای بسیار بر او می‌نمودند،⁴ پیلطس باز از او سؤال کرده، گفت: هیچ جواب نمی‌دهی؟ بین که چقدر بر تو شهادت می‌دهند.⁵ اما عیسی باز هیچ جواب نداد، چنانکه پیلطس متعجب شد.

حکم اعدام عیسی

⁶ و در هر عید یک زندانی، هر که را می‌خواستند، بجهت ایشان آزاد می‌کرد.⁷ و برآیا نامی با شرکای فتنه او که در فتنه خونریزی کرده بودند، در حبس بود.⁸ آنگاه مردم صدا زده، شروع کردند به خواستن که برحسب عادت با ایشان عمل نماید.⁹ پیلطس در جواب ایشان گفت: آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برای شما آزاد کنم؟¹⁰ زیرا یافته بود که رؤسای کهنه او را از راه حسد تسلیم کرده بودند.¹¹ اما رؤسای کهنه مردم را تحریض کرده بودند که بلکه برآیا را برای ایشان رها کند.¹² پیلطس باز ایشان را در جواب گفت: پس چه می‌خواهید بکنم با آن کس که پادشاه یهودش می‌گویند؟¹³ ایشان بار دیگر فریاد کردند که: او را مصلوب کن!¹⁴ بدیشان گفت: چرا، چه بدی کرده است؟ ایشان بیشتر فریاد برآوردند که: او را مصلوب کن!¹⁵ پس پیلطس چون خواست که مردم را خشنود گرداند، برآیا را برای ایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، تسلیم نمود تا مصلوب شود.

¹⁶ آنگاه سپاهیان او را به سرایی که دارالولایه است برده، تمام فوج را فراهم آوردند¹⁷ و جامهای قرمز بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافته، بر سرش گذاردند¹⁸ و او را سلام کردن گرفتند که: سلام، ای پادشاه یهود!¹⁹ و نی بر سر او زدند و آب دهان بر وی انداخته و زانو زده، بدو تعظیم می‌نمودند.

عیسی بر صلیب و مرگ او

²⁰ و چون او را استهزا کرده بودند، لباس قرمز را از وی کنده، جامه خودش را پوشانیدند و او را بیرون بردند تا مصلوبش سازند.²¹ و راهگذری را شمعون نام،

یسوع امام بیلطس

¹ وَلَوْفَتْ فِي الصَّاحِ تَسَاوَرُ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوعُ وَالْكَتَبَةُ وَالْمَجْمَعُ كُلُّهُ فَأَوْقَعُوا يَسُوعَ وَمَصَّوْا بِهِ وَأَسْلَمُوهُ إِلَى بِيَلَطُس.

² فَسَأَلَهُ بِيَلَطُسُ: أَأَنْتَ مَلِكُ الْيَهُودِ؟ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُ: أَنْتَ تَقُولُ. وَكَانَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ يَسْتَكُونُونَ عَلَيْهِ كَثِيرًا، فَسَأَلَهُ بِيَلَطُسُ أَيْضًا: أَمَا تُحِبُّ يَسِيءَ؟ أَنْظِرْ كَمْ يَشْهَدُونَ عَلَيْكَ. فَلَمْ يُجِبْ يَسُوعُ أَيْضًا يَسِيءَ حَتَّى تَعَجَّبَ بِيَلَطُسُ.

إطلاق سراح المجرم وحكم الموت على يسوع

⁶ وَكَانَ يُطْلَقُ لَهُمْ فِي كُلِّ عِيدٍ أَسِيرًا وَاحِدًا مِنْ طَلَبُوهُ. وَكَانَ الْمُسَمَّى بَارْتَابَسَ مُوثِقًا مَعَ رَفَقَائِهِ فِي الْفِتْنَةِ الَّذِينَ فِي الْفِتْنَةِ فَعَلُوا قَتْلًا. ⁸ قَصَرَخَ الْجَمْعُ وَابْتَدَأُوا يَطْلُبُونَ أَنْ يَفْعَلَ كَمَا كَانَ دَائِمًا يَفْعَلُ لَهُمْ. ⁹ فَأَجَابَهُمْ بِيَلَطُسُ قَائِلًا: أَتُرِيدُونَ أَنْ أُطْلِقَ لَكُمْ مَلِكَ الْيَهُودِ؟ لِأَنَّهُ عَرَفَ أَنَّ رُؤَسَاءَ الْكَهَنَةِ كَانُوا قَدْ أَسْلَمُوهُ حَسَدًا. ¹¹ فَهَيَّجَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ الْجَمْعَ لِكَيْ يُطْلِقَ لَهُمْ بِالْحَرِيِّ بَارْتَابَسَ. ¹² فَأَجَابَ بِيَلَطُسُ أَيْضًا وَقَالَ لَهُمْ: قَمَادًا تُرِيدُونَ أَنْ أَفْعَلَ بِالَّذِي تَدْعُوهُ مَلِكَ الْيَهُودِ؟ قَصَرَخُوا أَيْضًا: اضْلِبْهُ. ¹⁴ فَقَالَ لَهُمْ بِيَلَطُسُ: وَأَيَّ شَرِّ عَمَلٍ؟ قَارِءَاؤُا جَدًّا صَرَخَا: اضْلِبْهُ. ¹⁵ فَبِيَلَطُسُ إِذْ كَانَ يُرِيدُ أَنْ يَفْعَلَ لِلْجَمْعِ مَا يُرْضِيهِمْ أَطْلَقَ لَهُمْ بَارْتَابَسَ وَأَسْلَمَ يَسُوعَ بَعْدَمَا جَلَدَهُ لِيُضْلَبَ.

تعذيب وإهانة يسوع

¹⁶ فَمَضَى بِهِ الْعَسْكَرُ إِلَى دَاخِلِ الدَّارِ الَّتِي هِيَ دَارُ الْوَلَايَةِ وَجَمَعُوا كُلَّ الْكَتَبَةِ. ¹⁷ وَالتَّبَسُّوهُ أَرْجُوَانَا وَصَفَرُوا إِكْلِيلًا مِنْ شَوْكٍ وَوَضَعُوهُ عَلَيْهِ. ¹⁸ وَابْتَدَأُوا يُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ قَائِلِينَ: السَّلَامُ، يَا مَلِكَ الْيَهُودِ. ¹⁹ وَكَانُوا يَضْرِبُونَهُ عَلَى رَأْسِهِ بِقَصَبَةٍ وَيَبْصُقُونَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْجُدُونَ لَهُ جَائِعِينَ عَلَى رُكْبِهِمْ.

صلب يسوع

²⁰ وَبَعْدَمَا اسْتَهْزَؤُوا بِهِ تَرَعُّوا عَنْهُ الْأَرْجُوَانَا وَالتَّبَسُّوهُ نِيَابَةً ثُمَّ حَرَّجُوا بِهِ لِيُضْلَبُوهُ. ²¹ فَسَجَرُوا رَجُلًا مُجْتَازًا كَانَ آتِيًا مِنَ الْحَقْلِ وَهُوَ سِمْعَانُ الْقَيْرَوَانِي، أَبُو الْأَكْسَنْدَرُسَ وَرُوفُسَ، لِيَحْمِلَ صَلِيبَهُ. ²² وَجَاءُوا بِهِ إِلَى مَوْضِعٍ جُلُجَّةٍ الَّذِي تَفْسِيرُهُ: مَوْضِعُ جُمُوعَةٍ. وَأَعْطَوْهُ حِمْرًا مَمْرُوجَةً يَمُرُّ لِيَشْرَبَ، فَلَمْ يَقْبَلْ. ²⁴ وَلَمَّا صَلَبُوهُ افْتَسَمُوا نِيَابَةً مُفْتَرِعِينَ عَلَيْهَا مَاذَا يَأْخُذُ كُلُّ وَاحِدٍ. ²⁵ وَكَانَتِ السَّاعَةُ

الثَّالِثَةُ قَصَلُونَهُ.²⁶ وَكَانَ عُثْوَانُ عَلَيْهِ مَكْتُوباً: مَلِكُ الْيَهُودِ.²⁷ وَصَلَبُوا مَعَهُ لَصَيْنَ، وَاجِداً عَنْ يَمِينِهِ وَآخَرَ عَنْ يَسَارِهِ.²⁸ قَتَمَ الْكِتَابُ الْقَائِلُ: "وَأُخْصِي مَعَ أُمَّةٍ".²⁹ وَكَانَ الْمُجْتَازُونَ يُجَذُّونَ عَلَيْهِ، وَهُمْ يَهْزُونَ رُؤُوسَهُمْ قَائِلِينَ: آه، يَا تَافِضَ الْهَيْكَلِ وَتَابِيئَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ،³⁰ خَلَصَ نَفْسَكَ وَأَنْزَلَ عَنِ الصَّلِيبِ.³¹ وَكَذَلِكَ رُؤُوسَاءُ الْكَهَنَةِ وَهُمْ مُسْتَهْزِئُونَ فِيمَا يَنْتَهُمُ مَعَ الْكُتَّابَةِ قَالُوا: خَلَصَ آخِرِينَ وَأَمَّا نَفْسُهُ فَمَا يَقْدِرُ أَنْ يُخَلِّصَهَا.³² لِيُنْزَلَ الْآنَ الْمَسِيحُ، مَلِكُ إِسْرَائِيلَ، عَنِ الصَّلِيبِ لِنَرَى وَنُؤْمِنَ. وَاللَّذَانِ صُلِبَا مَعَهُ كَانَا يُعَيِّرَانِهِ.

موت يسوع

³³ وَلَمَّا كَانَتِ السَّاعَةُ السَّادِسَةُ كَانَتْ طُلُمَةُ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّهَا إِلَى السَّاعَةِ الثَّاسِعَةِ.³⁴ وَفِي السَّاعَةِ الثَّاسِعَةِ صَرَخَ يَسُوعُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلاً: إِلَوِي، إِلَوِي، لِمَا سَبَقْتَنِي؟ الَّذِي تَفْسِيرُهُ: إِلَهِي، إِلَهِي، لِمَاذَا تَرَكْتَنِي؟³⁵ فَقَالَ قَوْمٌ مِنَ الْخَاصِرِينَ لَمَّا سَمِعُوا: هُوَذَا يُبَادِي إِبِلِيًّا.³⁶ فَكَرِضَ وَاجِداً وَمَلَأَ سِفْنَتَهُ خَلاً وَجَعَلَهَا عَلَى قَصَبَةٍ وَسَقَاهُ قَائِلاً: ائْرُكُوا، لِنَرِ هَلْ يَأْتِي إِبِلِيًّا لِنُنْزِلَهُ؟

³⁷ فَصَرَخَ يَسُوعُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ وَأَسْلَمَ الرُّوحَ.³⁸ وَأَنْشَقَّ حِجَابُ الْهَيْكَلِ إِلَى اثْنَيْنِ، مِنْ فَوْقُ إِلَى أَسْفَلِ.³⁹ وَلَمَّا رَأَى قَائِدُ الْمِئَةِ الْوَاقِفُ مُقَابِلَهُ أَنَّهُ صَرَخَ هَكَذَا وَأَسْلَمَ الرُّوحَ قَالَ: حَقّاً كَانَ هَذَا الْإِنْسَانُ ابْنَ اللَّهِ.⁴⁰ وَكَانَتْ أَيْضاً نِسَاءٌ يَنْظُرْنَ مِنْ بَعِيدٍ، بَنِيَّ مَرْيَمَ الْمَجْدَلِيَّةِ وَمَرْيَمَ، أُمُّ يَعْقُوبَ الصَّغِيرِ، وَيُوسِيَّ وَسَلَوْمَةَ، اللَّوَاتِي أَيْضاً بَنِيَّ عَنْهُ وَخَدَمَتُهُ حِينَ كَانَ فِي الْجَلِيلِ، وَآخَرُ كَثِيرَاتٍ اللَّوَاتِي صَعِدْنَ مَعَهُ إِلَى أُورُشَلِيمَ.

دفن يسوع

⁴² وَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ، إِذْ كَانَ الْإِسْتِعْدَادُ أَيَّ مَا قَبْلَ السَّبْتِ،⁴³ جَاءَ يُوسُفُ الَّذِي مِنَ الرَّامَةِ، مُشِيرٌ شَرِيفٌ، وَكَانَ هُوَ أَيْضاً مُنْطَبِراً مَلَكُوتَ اللَّهِ، فَتَجَاسَرَ وَدَخَلَ إِلَى بِيلاطُسَ وَطَلَبَ جَسَدَ يَسُوعَ.⁴⁴ فَتَعَجَّبَ بِيلاطُسُ أَنَّهُ مَاتَ كَذَا سَرِيعاً. فَدَعَا قَائِدَ الْمِئَةِ وَسَأَلَهُ: هَلْ لَهُ زَمَانٌ قَدْ مَاتَ؟⁴⁵ وَلَمَّا عَرَفَ مِنْ قَائِدِ الْمِئَةِ وَهَبَ الْجَسَدَ لِيُوسُفَ.⁴⁶ فَاسْتَرَى كَنَاناً قَائِرَةً وَكَفَّنَهُ بِالْكَنَانِ وَوَضَعَهُ فِي قَبْرِ كَانَ مَنْحُوتاً فِي صَخْرَةٍ وَدَخَرَ حَجَراً عَلَى بَابِ الْقَبْرِ.⁴⁷ وَكَانَتْ مَرْيَمُ الْمَجْدَلِيَّةُ وَمَرْيَمُ أُمُّ يُوسِيَّ تَنْظُرَانِ أَيْنَ وَضِعَ.

از اهل قیروان که از بلوکات می‌آمد، و پدر اسکندر و رُقُس بود، مجبور ساختند که صلیب او را بردارد.²² پس او را به موضعی که جُلُجُتا نام داشت، یعنی محل کاسه سر بردند²³ و شراب مخلوط به مُر به وی دادند تا بنوشد لیکن قبول نکرد.²⁴ و چون او را مصلوب کردند، لباس او را تقسیم نموده، قرعه بر آن افکندند تا هر کس چه بَرَد.²⁵ و ساعت سوم بود که او را مصلوب کردند. و تقصیر نامه وی این نوشته شد: پادشاه یهود.²⁷ و با وی دو دزد را یکی از دست راستو دیگری از دست چپ مصلوب کردند.²⁸ پس تمام گشت آن نوشته‌های که می‌گوید: از خطاکاران محسوب گشت.²⁹ و راه گزران او را دشنام داده و سر خود را جنبانیده، می‌گفتند: هان ای کسی که معبد را خراب می‌کنی و در سه روز آن را بنا می‌کنی،³⁰ از صلیب به زیر آمده، خود را برهان!³¹ و همچنین رؤسای کاهنه و کاتبان استهزاکنان با یکدیگر می‌گفتند: دیگران را نجات داد و نمی‌تواند خود را نجات دهد.³² مسیح، پادشاه اسرائیل، الآن از صلیب نزول کند تا ببینیم و ایمان آوریم. و آنانی که با وی مصلوب شدند، او را دشنام می‌دادند.

³³ و چون ساعت ششم رسید، تا ساعت نهم تاریکی تمام زمین را فرو گرفت.³⁴ و در ساعت نهم، عیسی به آواز بلند ندا کرده، گفت: ایلوئی، ایلوئی، لَمَّا سَبَقْتَنِي؟ یعنی، الهی، الهی، چرا مرا واگذاردی؟³⁵ و بعضی از حاضرین چون شنیدند گفتند: الیاس را می‌خواند.³⁶ پس شخصی دوبده، افنجی را از سرکه بُر کرد و بر سر نی نهاده، بدو نوشانید و گفت: بگذارید ببینیم مگر الیاس بیاید تا او را پایین آورد؟³⁷ پس عیسی آوازی بلند برآورده، جان بداد.

³⁸ آنگاه پرده معبد از سر تا پا دیواره شد.³⁹ و چون یوزباشی که مقابل وی ایستاده بود، دید که بدینطور صدا زده، روح را سپرد، گفت: فی‌الواقع این مرد، پسر خدا بود.⁴⁰ و زنی چند از دور نظر می‌کردند که از آن جمله مریم مجدلیه بود و مریم مادر یعقوب کوچک و مادر یوشا و سالومه،⁴¹ که هنگام بودن او در جلیل پیروی و خدمت او می‌کردند. و دیگر زنان بسیاری که به اورشلیم آمده بودند.

دفن عیسی

⁴² و چون شام شد، از آن جهت که روز تهیه یعنی روز قبل از سَبَّت بود،⁴³ یوسف نامی از اهل رامه که مرد شریف از اعضای شورا و نیز منتظر ملکوت خدا بود آمد و جرأت کرده نزد پِیلاطُس رفت و جسد عیسی را طلب نمود.⁴⁴ پِیلاطُس تعَجَّب کرد که بدین زودی فوت شده باشد. پس یوزباشی را طلبیده، از او پرسید که: آیا چندی، گذشته وفات نموده است؟⁴⁵ چون از یوزباشی دریافت کرد، بدن را به یوسف ارزانی داشت.⁴⁶ پس کتانی خریده، آن را از صلیب به زیر آورد و به آن کتان کفن کرده، در قبری که از سنگ تراشیده بود نهاد و سنگی بر سر قبر غلطانید.⁴⁷ و مریم مَجْدَلِیَّه و مریم مادر یوشا دیدند که کجا گذاشته شد.